

## مواجهه با ضعف تمثیل در آثار استاد جعفری لنگرودی

محمّد درویش‌زاده<sup>۱</sup>

چکیده:

این تحقیق به منظور ارائه توصیف و تحلیلی از ضعف تمثیل و مواجهه با آن در آثار استاد جعفری لنگرودی انجام شده است.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که ضعف تمثیل در آثار علمی و پژوهشی امری مشهود و مستند است و موجب ضعف استدلال و سستی بنیان پژوهش‌های علمی شده است. تحلیل آماری از کاربرد تمثیل «اکرم‌العلماء» حاکی از آن است که بیش از هفت‌هزار مورد این تمثیل در منابع فقهی و اصولی استفاده شده است! و تحلیل کیفی حاکی از وجود دهها مصداق از مثالهای ضعیف و فاقد کاربرد است که هیچ کمکی به فرآیند یاددهی و یادگیری نمی‌کنند و فراگیران را از تحرک اندیشه می‌دارند و نوعی درنگ ذهنی برای آنها پدید می‌آورند و فرآیند معنارسانی را با اختلال مواجه می‌کنند.

در تحقیق حاضر با استفاده از آرایه ادبی تشخیص یا جان‌بخشی و شخصیت‌بخشی به «اکرم‌العلماء» به عنوان یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در فقه و اصول - توضیح داده شده است که کاربرد فراوان و ناروای این تمثیل؛ چگونه معنای لغوی و مفهوم ادبی این تمثیل را تغییر داده و چگونه استاد جعفری لنگرودی با طراحی و خلق مثالهای زنده و جدید تلاش کرده که بر غنای علمی تمثیل‌های تخصصی بیفزاید و با فراوان‌سازی تمثیل‌های جدید و زنده حقوقی، فرایندهای یاددهی و یادگیری را متحول کرده است و نتیجه آنکه توسعه علمی و افزایش «شاخص تولید علم» مستلزم آن است که در آینده نیز باید در پژوهش‌های فقهی، اصولی و حقوقی به دنبال یافتن مثالهای جدید و پرکاربرد بود و این فرآیندها را توسعه بخشید.

کلیدواژه: اکرم‌العلماء، جعفری لنگرودی، ضعف تمثیل، شاخص تولید علم

۱. قاضی پیشین دیوان عالی کشور و رئیس مرکز پژوهشی دانشنامه‌های حقوقی علامه

به نام برارنده ماه و مهر      سراینده ارغنون سپهر  
سمیع و بصیر و لطیف و خبیر      حکیم و علیم و عزیز و قدیر<sup>۱</sup>

مواجهه با ضعف تمثیل در آثار استاد جعفری لنگرودی بر اساس آرایه ادبی تشخیص

#### ۱- بیان مسئله:

در آثار استاد جعفری لنگرودی بارها از ضعف تمثیل و فقر مثال سخن رفته است. این موضوع مستلزم تحلیل‌های کمی و آماری از یک سو و بررسی کیفی و محتوایی از سوی دیگر می‌باشد تا مشخص شود اساساً ضعف تمثیل و استفاده از امثله پرتکرار و ضعیف در متون اصولی، فقهی و حقوقی وجود دارد یا نه؟! و چه آثار و عوارضی دارد؟ و چه نقشی در تولید علم و اتقان پژوهشی می‌تواند ایجاد کند؟ لذا مسئله این تحقیق آن است که گزارش ضعف تمثیل و فقر مثال که در آثار استاد جعفری لنگرودی آمده است به کاوش گذاشته شود.

#### ۲- سؤال اصلی تحقیق:

آیا آثار علمی (فقه، اصول، حقوق) با مسئله ضعف تمثیل مواجه است؟ این سؤال به سؤال‌های متعددی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

۱-۲- ضعف تمثیل چیست و چه مشکلاتی در اثر علمی ایجاد می‌کند؟  
۲-۲- تمثیل «اکرم‌العلماء» چه خصوصیتی دارد و تحلیل آماری آن چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

۳-۲- در تحلیل کیفی و محتوایی چه نمونه‌هایی از ضعف تمثیل در آثار علمی وجود دارد؟

۴-۲- آرایه ادبی تشخیص چیست و چرا در این مقاله استفاده می‌شود؟

۵-۲- «اکرم‌العلماء» با استفاده از آرایه ادبی تشخیص چگونه توصیف می‌شود؟

۶-۲- مواجهه استاد جعفری لنگرودی در برابر ضعف تمثیل با استفاده از آرایه ادبی تشخیص چگونه توصیف می‌شود؟

۷-۲- چرا و چگونه انسجام علمی و اتقان و استحکام پژوهش‌های آتی فقه و حقوق نیازمند مقابله با ضعف تمثیل است؟

۱. از سروده‌های جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه فرهنگ و هنر، ص آغازین.

## ۳- نحوه تحلیل سؤال‌ها: (روش تحقیق)

در این تحقیق ارزیابی فرضیه ضعف تمثیل در آثار و ادبیات علمی که از سوی استاد جعفری لنگرودی مطرح شده است به دو شیوه انجام می‌شود. اول شیوه کمی و آماری و دوم شیوه کیفی و تحلیلی.

در شیوه اول برای ارزیابی کمی این فرضیه، از طریق شمارش عددی و تحلیل آماری در متون و ادبیات علمی، فقهی و اصولی و حقوقی بررسی می‌شود که آیا فرضیه استفاده از مثال‌های تکراری به صورت ثابت در طول صدها سال صحت دارد یا نه؟ و آیا فرضیه تکرار مثال‌ها از نظر آماری امر پذیرفته شده‌ای است یا نه؟ و در شیوه دوم از طریق تحلیل محتوا نمونه مثال‌های ضعیف شناسایی می‌شود. به عبارت دیگر، در تحلیل کیفی مصادیقی از تمثیل‌هایی که ادعای ضعف آن‌ها شده است از منابع استخراج و با تحلیل محتوا و سنجش کیفی آن‌ها مشخص می‌شود که آیا ضعف تمثیل در مصادیق شناسایی شده وجود دارد یا نه؟

## ۴- ضعف تمثیل چیست و چه آثاری دارد؟

کاربرد تمثیل<sup>۱</sup> در ادبیات بسیار گسترده است؛ اما در مباحث علمی به منظور معنارسازی و انتقال معنای تخصصی استفاده می‌شود. هرگاه در بیان تمثیل از یک مثال ثابت به صورت مکرر و در جاهای مختلف استفاده شود با «ضعف تمثیل» مواجه خواهیم بود. استاد جعفری لنگرودی در کتاب مبسوط<sup>۲</sup> در ترمینولوژی حقوق ذیل عنوان ضعف تمثیل می‌نویسد: «ضعف تمثیل «یعنی ناتوانی در ارائه مثال حقوقی زنده و عملی» که نمونه‌ای از آن را در واژه «خیط مغصوب»<sup>۳</sup> در این کتاب می‌توان دید. ضعف تمثیل ارزش بسیاری از مسائل را مورد تردید قرار می‌دهد و این تردید از اعتبار آنها می‌کاهد. غزالی در معیارالعمل در منطق گامی کوتاه در ارائه مثال‌های زنده برداشت... راقم این سطور در کتاب دانشنامه حقوقی و در همه تألیفات خود مبارزه بی‌امانی را علیه ضعف تمثیل پی گرفتیم.»<sup>۴</sup> ایشان در جای دیگری در ارتباط با ضعف تمثیل می‌نویسند که «خیط مغصوب مثالی است زنده از ناتوانی صاحب‌نظران در ارائه مثال

۱. توصیف یک چیز زیر پوشش یک چیز دیگر.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۸، گنج دانش، جلد ۲، ص ۲۳۹۱.

۳. همان.

۴. همان.



علمی و زنده که بیش از هزار سال است دست به دست می‌گردد. گیر کردن سر گاو در خمره همسایه، مثالی است معروف که از خواص به عوام رسیده است.<sup>۱</sup> استاد جعفری لنگرودی در موارد بسیاری به موضوع ضعف تمثیل وارد شده است و نمونه‌های بسیاری از مباحث فقهی، اصولی و حقوقی را ذکر می‌کند که در آنها ضعف تمثیل بیداد کرده است. از جمله در مبسوط ذیل واژه ۸۹۳۶ و ۱۲۲۵ نمونه‌هایی را از مفتاح الکرامه و المغنی و روضه‌القضات ذکر می‌کند که مصادیقی از ضعف تمثیل را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup> وی در کتاب فن استدلال - منطق حقوق اسلام شماره ۴۲۳ در بیان آثار ضعف تمثیل می‌نویسد «آوردن مثال‌های ضعیف استدلال را ضعیف می‌کند» و در کتاب روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق نمونه‌ای از عبارات علامه در تذکره را ذکر می‌کند<sup>۳</sup> و در ادامه مثال‌های علامه را ضعیف دانسته و گفتند که مثال قوی کم نیستند و آنگاه خودشان مثال‌هایی زنده و عینی را ذکر کردند.<sup>۴</sup>

ایشان تصریح می‌کنند که «آوردن مثال‌های زنده که موجب تحرک اذهان باشد علامت پختگی فکری کسی است که توجه به ارزش آن‌گونه مثال‌ها دارد. در گذشته آوردن مثال‌های ضعیف و گاه خنده دار و دور از عمل و عقل رایج بود و مانند حل کردن جدول روزنامه‌ها مایه سرگرمی و شوخی جوانان محسوب می‌شد. ضعف تمثیل یکی از موجبات رکود اندیشه‌ی طالبان این علم و شاید کاهش اعتقاد آنان به مقام این علم به شمار می‌رفت».<sup>۵</sup> ایشان تأکید می‌کنند «مثلاً در جعاله به قدری مثال‌های بی‌ارزش آورده‌اند که بحث جعاله را کم اعتبار جلوه داده‌اند حال آنکه جعاله مبحث مهمی است و گاه به جای آوردن مثال زنده به سجع و قافیه‌پردازی پرداخته‌اند».<sup>۶</sup> از نظر ایشان حتی شیخ انصاری در کتاب مکاسب با مشکل ضعف تمثیل مواجه بوده‌اند.<sup>۷</sup> در

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ۱۳۸۹، ص ۴۵۵، ذیل عنوان ضعف تمثیل.
۲. حسینی علملی، سیدمحمدجواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، جلد ۶، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۴ و ابن قدامة المقدسی، المغنی، مکتبة القاهرة، سال ۱۳۸۸ جلد ۵، ص ۲۸۳ و السمنلی، ابي القاسم، روضه القضاء و طریق النجاه، حلد سوم، محقق صلاح الدین الناهی، ۲۰۱۵، ص ۱۲۶۶. ایشان همچنین در کتاب مسأل منطق حقوق و منطق مولزنه، شماره ۲۲۷ تا ۲۳۰ و الفارق جلد ۳ ذیل عنوان اجماعیه شماره ۴۴ و ۴۵ و نیز عنوان عده شماره ۵۶ و در کتاب روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق شماره ۳۱۶ ص ۲۴۰ به نمونه‌های ضعف تمثیل در آثار بزرگان اشاره می‌کنند.
۳. علامه حلی، تذکره الفقهاء، المکتبة المرتضویه ۱۴۱۴ جلد ۲، ص ۵۳۳ تا ۵۳۸.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، روش جدید در مقدمه علم حقوق، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰ به بعد.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، علم حقوق در گذر تاریخ، سال ۱۳۸۷، ص ۱۸۹.
۶. همان.
۷. همان.

جاهای دیگری ایشان در مقام تعریف ضعف مثال تأکید کرده‌اند که<sup>۱</sup> «اسلاف ما از این حقیقت غفلت تام ورزیده‌اند و با آوردن مثال‌های ضعیف مطالب را موهوم جلوه دادند و دست کم از تحرک اندیشه باز داشتند. طالب جوان علم چون به مثال ضعیف برخورد در قبول خود مطلب به شک می‌افتد و نوعی درنگ بر ذهن او سایه افکن می‌شود»<sup>۲</sup>. از نظر ایشان حتی «منطق یونان هم دچار ضعف مثال‌های فراوان است و همه گرفتار ضعف امثله هستند و مثال‌های قوی را ندارند»<sup>۳</sup> از نظر ایشان «مثال‌های قوی و زنده پشتوانه منطق و ابزار تحرک اندیشه است و همان‌گونه که در کتاب روش تحقیق گفتم شب‌ها و روزها برای انتخاب مثال‌ها تصفح متون کردم تا توانستم مثال‌های پیش پا افتاده را حذف کرده و مثال‌های جدیدی را اضافه کنم»<sup>۴</sup> ایشان در کتاب فن استدلال نیز تأکید کرده‌اند که «مثال ضعیف آوردن یعنی از موضع ضعف سخن گفتن که استدلال را ضعیف می‌کند. عمری در تألیفات خود امثله ضعیف را کنار زدم و امثله درست به کار بردم که می‌توانید بیازمایید»<sup>۵</sup>.

##### ۵- تمثیل «اکرم‌العلماء» چه خصوصیتی دارد؟

بدواً یادآور می‌شود که خوانش «اکرم‌العلماء» را نباید با «اکرم‌العلماء» اشتباه کرد. زیرا اولی جمله‌ای است دستوری و امری به معنای آنکه «دانشمندان را گرامی بدار» و دومی ترکیبی توصیفی و به معنای «گرامی‌ترین دانشمندان» است. جمله اول تمثیلی است که موضوع بحث ماست و بسیار پرکاربرد و با دفعات تکرار زیاد در مباحث مختلف اصولی و فقهی به کار رفته است. کاربرد فراوان این جمله در مباحث اصولی، فقهی و حقوقی حاکی از ضعف تمثیل و قلت مثال است که برای توضیح معانی استفاده شده است. استاد جعفری لنگرودی از این ضعف تمثیل مکرر انتقاد کرده و تلاش در جایگزینی آن با مثال‌های زنده و عینی و کاربردی دارد. جایگاه تمثیل «اکرم‌العلماء» و نقش آن در مباحث علمی فقهی و اصولی برای کسانی روشن است که با کتب درسی حوزویان مأنوس بوده و با جلوه‌های پرکاربرد این تمثیل در جای جای مباحث اصولی ارتباط گرفته باشند.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، ۱۳۸۴، گنج دانش، ص ۱۳۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فن استدلال در منطق حقوق اسلام، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹.

## ۶- تحلیل آماری کاربرد «اکرم‌العلماء» چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

برای آگاهی و اشراف خوانندگان به جایگاه و کاربرد این تمثیل در کتب درسی و تخصصی حوزه‌های علمیه لازم است به تحلیل آماری راجع به این تمثیل توجه شود. برای بررسی کاربرد «اکرم‌العلماء» و ترکیبات و مشتقات آن در کتابخانه دیجیتال نور تحقیقی انجام شد و نتایجی به شرح زیر حاصل شد.<sup>۱</sup>

۶-۱- «اکرم‌العلماء» با ترکیب‌های مشابه و متعددی در منابع اصولی و فقهی به عنوان تمثیل استفاده شده است!! از جمله این ترکیبات مشابه عبارتند از: «لا تکرّم الفساق»، «تکریم‌العلماء»، «احترام العلماء»، «لا تکرّم الفساق من العلماء» و امثال آن.

۶-۲- در مجموع ترکیبات مختلف «اکرم‌العلماء» در بیش از ۲۲۷ کتاب فارسی و بیش از ۱۲۸۷ کتاب عربی آورده شده است. یعنی در مجموع بیش از ۱۵۱۴ کتاب این ترکیبات را مکرراً استفاده کرده‌اند. از این تحلیل به خوبی می‌فهمیم که چرا ایشان فرموده‌اند «صاحب‌نظران در ارائه مثال علمی و زنده که بیش از هزار سال است دست به دست می‌شود گیر کرده‌اند»<sup>۲</sup>

۶-۳- جمع دفعات تکرار استفاده از این تمثیل در کتاب‌های مزبور حاکی از وجود رکورد ۷۰۹۳ مورد می‌باشد. یعنی در قریب به اتفاق منابع بررسی شده، این تمثیل مشاهده شده است و در طول بیش از ۱۰۰۰ سال استفاده از این تمثیل هیچ تحول و تغییری نداشته و مکرر نیز استفاده شده است.

۶-۴- وجه دیگر تمرکز این مقاله به استفاده از این تمثیل ناشی از آن است که در حال حاضر هم کاربرد این تمثیل در منابع پژوهشی روندی رو به تزاید دارد به عنوان مثال تعداد استفاده از تمثیل «اکرم‌العلماء» در رسائل شیخ انصاری معادل «۱۸» مورد بوده و استفاده از این ترکیب در کتاب انوارالاصول مکارم شیرازی به ۲۸ مورد و در کتاب بحوث شهید صدر که توسط هاشمی شاهرودی تقریر شده به ۴۵ مورد افزایش پیدا کرده است.

۶-۵- ثابت ماندن استفاده از این تمثیل و علاوه بر آن روند تصاعدی و رو به تزاید استفاده از این تمثیل امری است که فرضیه فراگیر شدن ضعف تمثیل در منابع علمی را اثبات می‌کند و در نتیجه ضرورت توجه علمی به مشکل ضعف تمثیل را مطرح می‌کند زیرا ضعف تمثیل

۱. منبع، کتبخانه دیجیتال نور به آدرس [www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir) در اسفند ۱۳۹۷.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، شماره ۲۳۶۹، ص ۴۵۵ ذیل عنوان ضعف تمثیل.

منتهی به ضعف استدلال و موجب اختلال در انتقال معنا می‌شود، رکود علمی و ضعف تولید علمی جدید را پدید می‌آورد و فرایند یاددهی و یادگیری را با اختلال مواجه می‌کند.<sup>۱</sup>

همچنین بررسی آماری از کاربرد تمثیل «اکرم‌العماء» حاکی از آن است که این تمثیل در بیش از ده مبحث از مباحث علم اصول استفاده شده است. که عناوین آن به شرح زیر است.

۱. در عام و خاص بحث اجمال مخصص؛ ۲. در اصول عملیه بحث استصحاب؛ ۳. در عام و خاص بحث تقدم و تأخیر مخصص؛ ۴. در تعارض و تراجیح بحث متعارضین؛ ۵. در تعارض بحث متراجحین؛ ۶. در تعارض بحث تخییر؛ ۷. در تعارض بحث‌الجمع اولی من التراجیح؛ ۸. در بحث صور مختلف مرجحات دلالی؛ ۹. در اوامر، مبحث نسخ وجوب؛ ۱۰. در اجتماع امر و نهی و امثال آنها.

نتیجه تحلیل آماری از کاربرد تمثیل «اکرم‌العلماء» آنکه اولاً؛ این تمثیل از نظر زمانی، در طول صدها سال مورد استفاده صاحب‌نظران بوده است و ثانیاً؛ از نظر مکانی نیز در تمامی حوزه‌های علمیه ایران و عراق مورد استفاده بوده است و ثالثاً؛ از نظر زبانی نیز در آثار تخصصی فارسی و عربی استفاده شده است و رابعاً؛ از نظر فراوانی نیز هزاران بار مورد استفاده صاحب‌نظران قرار گرفته و خامساً؛ از نظر توزیع درون علمی نیز در جای‌جای مباحث علمی مکرراً مورد ارجاع و استناد بوده است و این آمار به خوبی نشان می‌دهد که حداقل کاربرد این تمثیل با این گستره و فراوانی بالا می‌تواند بیماری ضعف تمثیل را در متون علمی در پی داشته باشد.

#### ۷- تحلیل کیفی و بررسی محتوایی نمونه‌های ضعف تمثیل چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

استاد جعفری لنگرودی نمونه‌های بسیاری از تمثیل‌هایی که از نظر محتوایی دارای ضعف هستند را شناسایی و ذکر کرده‌اند از جمله دوازده نمونه مشخص از مصادیق ضعف تمثیل در آثار ایشان<sup>۲</sup> به شرح زیر شناسایی شده است.

اول- کسی را اجیر می‌کند برای کشیدن دندان خود ولی قبل از عمل اجیر، درد دندان آرام می‌شود!

۱. استاد جعفری لنگرودی پس از ملاحظه ویراست اول این مقاله خاطره‌ای را در این خصوص نقل کرده و فرمودند بعد از انتشار مجموعه ۵ جلدی دانشنامه حقوقی روزی مرحوم ابوالحسن محمدی ایشان را در خیابان ملاقات کردند و ضمن تقدیر از کتاب مزبور تأکید کردند که به طور خاص از مثال‌های زنده و کاربردی فرلوئی که در این کتاب آورده شده است استفاده کرده‌اند و آن را موجب عنای علمی و تسهیل یاددهی و یادگیری مطالب دانستند.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه؛ تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴ و ۱۳۵ و علم حقوق در گذر تاریخ، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

دوم- زنی را اجیر می‌کند برای نظافت مسجدی در روز معین ولی آن زن در آنروز حیض می‌شود!<sup>۱</sup>

سوم- مثال موهوم تلخه که شارح قانون مدنی آورده است.<sup>۲</sup>

چهارم- مثال اجاره کردن<sup>۳</sup> خروس که موقع سحر، او را از خواب بیدار کند تا نماز صبح بخواند! پنجم- نخ<sup>۴</sup> را پیش از فجر بلعید پس وارد زمان روزه واجب گردید در حالی که یک سوی نخ از دهن او بیرون است و سوی دیگرش وصل است به پلیدی معده...!

ششم- خیط مغصوب و ضمان غاصب به رد نخ به مالک که غالباً آن را مثال زده‌اند.<sup>۵</sup>

هفتم- اجاره کردن درخت برای اینکه لباس بر آن آویخته و خشک‌کنند یا از سایه آن استفاده شود.<sup>۶</sup>

هشتم- رهن دادن کنیز جمیل و اقباض او به مرتهن<sup>۷</sup> که مردی فاسق باشد.

نهم- خانه‌ای فروخت که شتری در آن بود و نمی‌توان شتر را از درخانه به در آورد. الا با خراب کردن آن!<sup>۸</sup>

دهم- حیوانی سرش را در دیگ دیگری کرد و جز به شکستن دیگ، سرش را بیرون نتواند

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، تنوری موازنه، تهران، گنج دانش، ش ۲۱/۹ و حسینی شقرانی عملی نجفی، سید محمد جواد بن محمد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، مؤسسة النشر الاسلامی، جلد ۷، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، تنوری موازنه، ش ۱۸/۵، ص ۲۱.

۳. ابن قدامة المقدسی، المغنی، مکتبة القلمرة، جلد ۵، ۱۳۸۸هـ، ص ۵۵۵. عن احمد الرجل یشتري الدیک یوقظه لوقت الصلوة لایجوز. و ذلك لانه یقف علی فعل الدیک، و لایمکن استخراج ذلك منه یصرب ولا غیره، و قد یصیح و قد لایصیح، و ربما صاح بعد الوقت! عین عبارت ابن قدامة در تذکره اخذ شده است.

۴. فرع لطیف، لو ابتلع خیطا قبل الفجر و اصبح صائماً صوماً متعیناً و طرفه خارج من فیه و الاخر ملاصق بناجسه المعده و اعتبرنا وجوب اجتناب مثله...

۵. علامه حلی، تذکره الفقهاء، المکتبة المرتضویه، جلد ۲، ۱۴۱۴، ص ۱۴/۱۰۰۴.

۶. المغنی، ابن قدامة المقدسی، مکتبة القلمرة جلد ۵، ۱۳۸۸هـ، ص ۵۴۷ و علامه حلی، تذکره الفقهاء، المکتبة المرتضویه، ۱۴۱۴، جلد ۲، ص ۷/۹۰۳.

۷. روح الله، خمینی، مناهج الوصول الی علم الاصول، جلد ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۹/۲۶۰ و حسینی شقرانی عملی نجفی، سید محمد جواد بن محمد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، جلد ۵، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲/۸۳ و نجفی مشهور به کاشف الغطاء، شیخ جعفر بن شیخ خضر، شرح قواعد الاحکام علامه حلی، شرح کتاب البیع، ص ۲۲/۵۹، نوری، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهدب، جلد ۱۴، ص ۳/۳۵.

۸. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، القواعد در فقه شامل عبادات و معاملات، بی‌تا، ص ۱۵۸.



آورد! این یکی در فارسی ضرب‌المثل شد که می‌گویند: سرگاو در خمره‌گیر کرد.

یازدهم- اذا رمى المسلم ذمياً بسهم، فاسلم قبل الاصابه، ثم اصابه فمات منه<sup>۲</sup>...

دوازدهم- جمع کردن و انباشتن شیر در پستان حیوان شیرده تا مشتری فریب خورد و به طمع بخرد. یکی در فقه شافعی گفته است<sup>۳</sup> اگر مالک حیوان، زنبوری بر پستان حیوان نهد تا بگزد و پستان آن، باد کند تا مشتری خیال کند که پرشیر است!

#### ۸- چه نمونه‌هایی از جایگزینی مثال زنده به جای مثال ضعیف وجود دارد؟

استاد جعفری لنگرودی پس از تفتن به ضعف تمثیل ده‌ها مورد مثال جایگزین پیشنهاد کرده‌اند که به لحاظ اختصار دو نمونه ذکر می‌شود.

۸-۱- علامه در تذکره<sup>۴</sup> فرعی را ذکر کرده که «اگر ملک سابقاً مسکن سپاه باشد و بفروشد و مشتری از آن سابقه خبر نداشته باشد خیار عیب دارد زیرا سکونت لشکریان در خانه‌ای موجب کاهش رغبت خریداران است» استاد جعفری لنگرودی در این خصوص می‌گوید مثال قوی کم نیست می‌توانست مثال بیاورد به خرید مزرعه‌ای که بعداً معلوم شود موش صحرایی در آن فراوان است یا در عصر ما باید به خرید خانه‌ای مثال زد که بعداً معلوم شود بلندگوی همسایگان و همجواریان در ساعاتی از روز فعال است.<sup>۵</sup> حداقل مثال ضعیف را نباید تکرار کرد.

۸-۲- مثال پرکاربردی که برای مقدمه واجب مطرح می‌شود این است که وقتی مولا گفت برو پشت بام نتیجه می‌گیریم که نصب نردبان به عنوان مقدمه، واجب است.

استاد جعفری لنگرودی این تمثیل را عامیانه می‌دانند و به نقل از مردی سالخورده و دنیا دیده می‌گویند: این که نشد علم، باید این گونه مثال بزنند؛ «اگر خانه‌ای را اجاره دادی و منافع مدت اجاره را واگذاشتی، متعهد به تسلیم عین مستأجره هستی؛ این تعهد، مقدمه تعهد موجر عین، در واگذاری منافع است.»<sup>۶</sup>

۱. علامه حلی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضویه، جلد ۲، ۱۴۱۴، ص ۱۳۲/۹۹۹.

۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالك الأقسام إلی تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۲، ۱۳۱۴، ص ۱۷/۵۱۴ و ۴۶۶.

۳. نوری، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، دار الفکر، جلد ۱۲، ص ۲۴/۹۵.

۴. علامه حلی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضویه، جلد ۲، ۱۴۱۴، ص ۵۳۸.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فن استدلال در علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰.

۶. همان، ص ۲۵۸ و نیز تنوری موازنه، پیشین، ش ۶/۹.

با این وجود ایشان تنقیصی را بر گذشتگان روا نمی‌داند اما هشدار می‌دهد و می‌نویسند: «این مثالها از آن رو آوردم تا طالب این علم، راه دگر گیرد و دنبال مثالهای واهی یا ضعیف نرود و عمر تباه نکند. علم آن بزرگان را هم با معیار این مثالها نسجد که آنان چندان کار کرده‌اند که چند مثال واهی یا ضعیف در سخن آنان مانند گاهی است در برابر کوهی از تحقیقات و تلاشهای اندیشه که اگر از خود بقی نمی‌گذاشتند باید در هر مورد، دست حاجت به سوی غیر دراز می‌کردیم»<sup>۱</sup>

#### ۹- آرایه ادبی تشخیص چیست و چرا در این مقاله استفاده خواهد شد؟

آرایه‌های ادبی در ادبیات فارسی عبارت است از: به کار بردن فنونی که رعایت آنها بر جلوه‌ها و جنبه‌های زیبایی و هنری سخن می‌افزاید. آرایه‌های ادبی به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: آرایه‌های لفظی و آرایه‌های معنوی.

منظور از آرایه‌های لفظی فنونی هستند که تناسب آوایی و لفظی میان واژه‌ها پدید می‌آورند. نظیر شعر سعدی که می‌گوید:

خواب نوشین بامداد رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل<sup>۲</sup>

که تکرار مصوت کوتاه - در مصراع نخست تکامل بخش موسیقی درونی شعر است. آرایه‌های ادبی لفظی انواع مختلفی همچون سجع و ترصیع و جناس و تخلص دارند. اما آرایه‌های معنوی فنونی هستند که بر پایه تناسب‌های معنایی واژه‌ها شکل می‌گیرند. این آرایه‌ها نیز انواع مختلفی دارند از جمله مراعات‌النظیر، تضاد، متناقض‌نما یا پارادکس، عکس، لف و نشر و از جمله آرایه ادبی تشخیص.

آرایه ادبی تشخیص عبارت است از شخصیت‌بخشی یا جان بخشی به اشیا با این آرایه صفت‌ها و رفتارهای آدمی به اشیا نسبت داده می‌شود.<sup>۳</sup> آرایه ادبی تشخیص نوعی از استعاره است که مُشَبَّه، غیر انسان است اما ویژگی انسانی به آن نسبت داده می‌شود. مثل این شعر حافظ که می‌فرماید:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵.

۲. گلستان سعدی.

۳. همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما، چاپ ۳۱.

آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود عقب‌ت در قدم باد بهار آخر شد<sup>۱</sup> در این بیت «هازیدن» که ویژه آدمی است به «خزان» نسبت داده شده است. شخصیت‌بخشی یا جان‌بخشی به اشیاء شباهت با انسان‌نگاری یا انسان‌دبسی و انسان‌وارگی نیز دارد.<sup>۲</sup> که به معنای تعبیر انسان گونه از هر چیزی است که لزوماً خصلت یا شکل انسانی نداشته باشد. بسیاری از مفاهیم که در رشته معماری مطرح است ریشه انسان‌وارگی دارد. در افسانه‌ها و باورهای باستانی نیز نسبت دادن خواص انسانی نظیر دست و پا و غیره به خدا، تعبیری انسان‌واره است که البته در تفکر قرآنی این تعبیر نسبت به خدای عز و جل نفی<sup>۳</sup> شده و از جمله در سوره اخلاص تصریح شده است که «برای او نظیری نیست»<sup>۴</sup> و روایات نیز در این خصوص تأکید فراوان دارند.

اما استفاده از آرایه تشخیص در این مقاله از چند جهت است اول آنکه می‌خواهیم نشان دهیم استاد جعفری لنگرودی چگونه در یک مواجهه تمام عیار با معضل ضعف تمثیل در ادبیات تخصصی فقه و حقوق و اصول قرار گرفته‌اند؟ و چگونه توانسته‌اند از کاربردهای فراوان و ناروای تمثیل‌های تکراری همچون «اکرم‌العلماء» جلوگیری کنند و با وارد کردن تمثیل‌های کاملاً تخصصی موجب آزاد شدن تمثیل‌های پرتکرار همچون «اکرم‌العلماء» از بار معنارسانی‌های اضافی و تحمیلی شوند. وجه دوم استفاده از آرایه ادبی تشخیص و جان‌بخشی به تمثیل «اکرم‌العلماء» آن است که استاد جعفری لنگرودی در نظریه فلسفی وجود اعتباری<sup>۵</sup> اساساً موجودات اعتباری را در مقابل موجودات طبیعی دارای وجود دانسته و موجودات اعتباری را موضوع اساسی مباحث حقوقی اعلام می‌کنند. این نظریه از رساله دکتری ایشان با عنوان «تأثیر اراده در حقوق مدنی» گرفته تا کتاب فلسفه اعلی در حقوق و رنسانس فلسفه و سایر آثار ایشان

۱. دیوان حافظ.

۲. کلمه توحید.

۳. سوره توحید.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، رنسانس فلسفه، جلد ۴، گنج دانش، ص ۲۰ به بعد.

## ۲. Anthropomorphism

مطرح است.<sup>۱</sup> بر این اساس استفاده از آرایه ادبی تشخیص با این نظریه هماهنگ بوده است و توجیه می‌شود، زیرا علاوه بر آنکه اشیای جهان از ویژگی انسان وارگی یا انسان‌دیی برخوردار هستند بلکه از نظر ایشان حتی مفاهیم و مباحث اعتباری که فاقد وجه فیزیکی و یا ملموس می‌باشند نیز قابل تعبیر انسان‌واره بوده و سهمی از وجود را دارا می‌باشند و می‌توان از آنها تعبیر انسان‌واره داشت. ابتکار استاد جعفری لنگرودی در جلد چهارم کتاب رنسانس فلسفه و طرح نظریه وجود اعتباری دارای زیرساخت فلسفی قوی نیز هست زیرا بحث از وجود ذهنی<sup>۲</sup> در فلسفه اسلامی سابقه دیرین دارد و موجب بحث‌انگیزی‌های فراوانی شده است. وجه سوم استفاده از آرایه ادبی تشخیص آن است که اساساً نظریه «هوشمندنگاری جهان طبیعت» در علوم مختلف نظیر عرفان، فلسفه، فیزیک، شیمی، ادبیات، حتی علوم کشاورزی مطرح شده است. تجلی این نظریه در ادبیات فارسی با زیرساخت عرفانی و فلسفی در موارد بسیار زیادی مطرح است. جلوه‌های این نظریه در ادبیات فارسی با زیرساخت عرفانی و فلسفی در موارد بسیاری مطرح است. آنجا که شیخ اجل سعدی می‌فرماید.

به ذکرش هرچه بینی درخروش است/ دلی داند در این معنا که گوش است  
یا مولوی در دفتر سوم ابیات ۱۰۱۹ تا ۱۰۲۱ می‌گوید:

جمله ذرات عالم در نهان/ با تو می‌گویند روزان و شبان  
ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم/ با شما نامحرمان ما خامشیم

#### ۱۰- مفهوم «اکرم‌العلماء» با استفاده از آرایه ادبی تشخیص چگونه توصیف می‌شود؟

برای توصیف معنای لغوی «اکرم‌العلماء» با استفاده از آرایه ادبی تشخیص مبحثی را ذیل عنوان «دیار و تبار اکرم‌العلماء» ارائه می‌کنیم و سپس برای توصیف آثار کاربردهای ناروا و انبوه این تمثیل بر معنای لغوی آن مبحثی با عنوان «کم گشتگی و غربت و اسارت اکرم‌العلماء» ارائه می‌شود.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فن استدلال، پیشین، ص ۳۵ به بعد و فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۱۳ به بعد، فلسفه حقوق مننی، جلد ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵ به بعد، الفارق، ج ۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۵۱ به بعد، تأثیر اراده در حقوق مننی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۳ به بعد.  
۲. طباطبایی، علامه محمدحسین، نه‌ایه الحکمه دانشگاه الزهراء(س)، معاونت پژوهشی، ۱۳۷۲.

اکرم‌العلماء اصیل بود و نجیب‌زاده. تباری اخلاقی داشت. برآمده از شهر آزادگان بود و بر خاستگاهش انبوه آموزه‌های مصلحان و معلمان و پیامبران<sup>۲</sup>. دیارش فطرت پاک انسانی بود. ریشه در پاسداشت «آزادی اندیشه» داشت و به دنبال ارتقای معنویت و تکریم انسان و انسانیت بود. اکرم‌العلماء برای تکریم و تجلیل و بزرگداشت مقام علم و معلم بود و آرمان آن توسعه اخلاق و معنویت و بهبود رفتار و شرایط زیست انسانی بود. اکرم‌العلماء وظیفه معنارسائی از سرزمین اخلاق را بر عهده داشت. آمده بود تا آموزه‌های خردورزانه و آزادی اندیشه را پاس دارد و نسیم پرمهر و سرشار از عطر خوبی‌ها را در پیرامون علم و عالم و اندیشه و معنویت و انسانیت پراکنده سازد. در یک کلام اکرم‌العلماء برای پاسداشت مقام عالمان و اندیشه‌ورزان آمده بود. همین و نه بیشتر. اکرم‌العلماء آمده بود تا به ما بیاموزد نحوه زیست با عالمان و تعامل با آنها را. اما اشتیاق زائدالوصف او به انجام وظیفه معنارسائی، اکرم‌العلماء را آرام آرام از دیار و تبار خود دور می‌کرد. و او هم به شوق انجام وظیفه معنارسائی اخلاقی بود که دوری از دیار و تبار خود را به جان می‌خرید تا آنکه آرام آرام از دیار و تبار خود دور افتاد.

## ۱۰-۲ - گم‌گشتگی و غربت و اسارت «اکرم‌العلماء»:

معنارسائی مستمر اکرم‌العلماء و چابکی او در معنارسائی‌های سریع و عمیق، باعث شد افرادی، به خاطر ضعف تمثیل و فقر مثال، بار معنارسائی او را سنگین و سنگین‌تر کنند و اکرم‌العلمای اصیل و نجیب‌زاده را برای انجام وظیفه معنارسائی به سرزمین‌های خشک و بی‌آب و علف ببرند. اکرم‌العلمای صبور و نجیب، دوری از تبار خود را نادیده گرفت و نجیبانه به انجام وظیفه معنارسائی پرداخت. اما سنگینی این بار، بر دوش نحیف او موجب شد که علاوه بر دوری از تبار و دیار خود آرام آرام با ریشه‌های اصیل و عمیق و بر خاستگاه خانوادگی خود نیز قطع ارتباط کند. اکرم‌العلماء روزانه وظیفه معنارسائی<sup>۳</sup> در انبوهی از مثال‌های خشک و خالی از نشاط و سرسبزی را بر عهده داشت و روز به روز بر وظیفه معنارسائی او در دوردست‌ها افزوده می‌شد.

۱. تمام توصیف‌هایی که در این قسمت می‌آید در حدود بیان معنای لقوی اکرم‌العلماء است که می‌خواهد بگوید «دانشمندان را گرمی بدارید»

۲. اشاره به ارزش و جایگاه علم و عالم در آموزه‌های دینی و معرفت بشری.

۳. این وظیفه از رابطه لفظ و معنا در مباحث زبان‌شناسی قلیل استفاده است.

مجال اندکی برای پیوند او با دیار و تبار خود فراهم نمی‌شد و اکرم‌العلمای نجیب و اصیل، روز به روز در برهوت معنارسانی گم‌گشته‌تر می‌شد و پیوند او با یار و دیار و تبارش سخت دورتر می‌شد. روزی که جناب صائب تبریزی روزگار او را دید برای انعکاس آن چنین گفت و با شتاب گذشت.

منی که لفظ شراب از کتاب می‌شستم/ زمانه کاتب دکان می‌فروشم کرد<sup>۱</sup>  
 اکرم‌العلماء با این بیت صائب «هم‌ذات‌پنداری»<sup>۲</sup> می‌کرد. او هم احساس کرد صائب در سرودن این بیت نگاهی به او داشته و از سنگینی بار معنارسانی او در دوردست‌ها نگران است. اکرم‌العلماء فرسوده شده بود. جسم نحیفش تحمل این بار گران معنارسانی را نداشت. او باید فقط در بیش از دهها مورد از مباحث<sup>۳</sup> اصولی حاضر می‌شد و وظیفه سنگین و فوق‌طیقت معنارسانی را انجام می‌داد. اکرم‌العلماء جسمی نحیف و روانی ناقص پیدا کرده بود. بار سنگین معنارسانی را بر دوش خود احساس می‌کرد. از عمق جان نالید و خدای کلمه<sup>۴</sup> را خواند. «رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»<sup>۵</sup>. اما وظیفه معنارسانی برای اکرم‌العلماء در علوم مختلف تعریف شده بود. اکرم‌العلماء به مثابه دستمایه تمام کسانی<sup>۶</sup> شده بود که از ضعف تمثیل رنج می‌بردند و فقر مثال برای انتقال معنا، آنها را با چالش مواجه کرده بود. آنها اکرم‌العلماء را برای هر تمثیلی به کار می‌بردند. شاید خودشان هم نمی‌دانستند که اکرم‌العلماء اسیر آنها شده و تحمیل این بار معنارسانی به او جایز نیست. آنها آزاده‌ای را به اسارت گرفته بودند و گناهی بزرگ مرتکب شده بودند زیرا «اخذ الحر عبداً» از گناهان نابخشودنی است. ناله اکرم‌العلماء به درگاه حق و خالق کلمه بیشتر شد و همچنان نالید. «رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا...»<sup>۷</sup>

۱. در انتساب این بیت به صائب تبریزی اختلاف وجود دارد برخی آن را به طالب املی منسوب کرده‌اند.

۲. اصطلاحی در روئنگلوی است که بیشتر از نوشته‌های زیگموند فروید ریشه می‌گیرد. ویکی پدیا.

۳. بنگرید به شماره ۴۶ همین مقاله

۴. نگاه شود به انجیل یوحنا باب لول «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و...» و قرآن کریم آل عمران، آیات ۴۵ و ۴۹ و نساء ۱۷۱.

۵. قرآن کریم، بقره، ۲۸۲.

۶. لنگرودی با ذکر آدرسهای متعدد از بزرگان فقه و اصول نمونه‌های بسیاری را در خصوص کاربرد ناروای تمثیل بیان می‌کنند از جمله نگاه شود به جعفری لنگرودی، محمدجعفر، کتاب مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، پیشین، ص ۱۳۳ به بعد.

۷. سوره بقره آیه ۲۸۶.

۱۱- مواجهه استاد جعفری لنگرودی با ضعف تمثیل چگونه توصیف می‌شود؟

پاسخ به این سؤال در قالب آرایه تشخیص با عنوان «مرد آزادی بخش» و «در هوای آزادی» ارائه شود.

### ۱-۱۱- مرد آزادی بخش:

نالۀ آن گم گشته از یار و دیار، در کویر دور افتاده جغرافیای علمی پیچیده بود:

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد / در دام مانده باشد، صیاد رفته باشد<sup>۱</sup>

مردی از کوره راه تاریخ عبور می‌کرد. اکرم‌العلمای نحیف شده را دید. دور افتاده از شهر و دیار

خود. ناله حزین او را شنید که حافظ هم شنیده بود و آنرا چنین انعکاس داده بود:

به یاد شهر و دیار آن چنان بگریم زار / که راه و رسم سفر از جهان براندازم<sup>۲</sup>

آری حافظ هم اکرم‌العلماء را در غم هجران و دوری از یار و شهر و دیار خود دیده بود و در

وصف حالش این بیت را سروده بود و مسیر خودش را در تاریخ ادامه داده بود.

مرد آزاده ما نیز با شتاب و با کوله‌باری سنگین راه می‌پیمود، اما بار سنگین اکرم‌العلماء و ناله

جانگاہ او مرد آزاده را به تفکر واداشت گویی صدای «یا للمسلمین»<sup>۳</sup> را شنیده بود. کوله‌بارش

پر بود از لغت و تمثیل<sup>۴</sup>، اصل و استثناء<sup>۵</sup>، فرع و استدلال<sup>۶</sup>، قیاس و برهان<sup>۷</sup>، آیه و حدیث<sup>۸</sup>،

فرهنگ بومی<sup>۹</sup> و بین‌المللی<sup>۱۰</sup> و هر آنچه از معنا لازم بود در کوله داشت. بر کوله بارش حک

شده بود «استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی». مرد آزاده نگاهی به اکرم‌العلماء انداخت و زیر

لب خواند «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»<sup>۱۱</sup>. دیگر نتوانست به صدای «یا

۱. دیوان حزین لاهیجی، مکتوب، ۱۳۷۵.

۲. دیوان حافظ.

۳. حدیث نبوی مشهور.

۴. اشاره به آثار ادبی استاد جعفری لنگرودی.

۵. علم حقوق آن گونه که در مقدمه ترمینولوژی حقوق تعریف می‌کند.

۶. آثار حقوقی ایشان.

۷. آثار تحلیلی استاد.

۸. آثار فقهی استاد.

۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد اول، مقدمه، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.

۱۰. همان.

۱۱. اعراف ۵۷



للمسلمین» بی تفاوت باشد و به مسیر خود در کوره راه تاریخ ادامه دهد. او ضعف تمثیل نداشت و دچار فقر مثال<sup>۱</sup> نبود. کوله بارش سرشار از معنا و معنویت بود. مرد آزاده با خود اندیشید «ما دچار فقر مثال نیستیم... این وضع مانع تحرک اندیشه است... اسلاف ما از این حقیقت غفلت تام داشتند... روز و شب باید تصفح متون کنم... عمری باید در تألیفات خود با ضعف تمثیل مبارزه کنم... تا آنها را از این اسارت برهانم»<sup>۲</sup> او دستان شفافبخش خود را بر سر و دوش اکرم‌العلماء کشید و بار معنارسائی او را کاهش داد و او را از شهر و دیار غربت آزاد کرد. طنین کلام و عطر نفس مرد آزاده هوای تازه‌ای را به اکرم‌العلماء بخشید. بار معنارسائی او سبک شد. اختلال در معنارسائی او مرتفع شد. اکرم‌العلماء چشم گشود و خود را در دیار آبا و اجدادی خود دید. اما همچنان اشتیاق معنارسائی و انجام وظیفه معنارسائی در عمق جان او تازه بود. دستان شفافبخش مرد آزادی بخش، به اکرم‌العلماء جانی تازه بخشید. نشاطی دوباره یافت. سر برآورد و خود را در زیگوراتی به قامت عرش احساس کرد. در آنجا به مناجات ایستاد و اکنون جمال زیبای اکرم‌العلماء را می‌بینیم که شکوه‌مند و پر اهتزاز به تکریم علم و عالم فرا می‌خواندند و بار معنارسائی او سبک شده است او اکنون سبک بال و شادان و خرامان در سرزمین آبا و اجدادی خود هم آغوش یار و همراه دیار و تبار می‌باشد. اکرم‌العلماء افسرده نیست. او با نشاطی مضاعف ما را به تکریم مرد آزادی بخش فرا می‌خواند.

## ۲-۱۱- در هوای آزادی:

اکنون اکرم‌العلماء را می‌بینیم که یارش در بر است و خود را می‌بینیم که دو چشم انتظارمان<sup>۳</sup> بر در است. ما نیز در زیر بار سنگین معنارسائی‌های بیپه‌وده و روزمره زندگی به مثابه همان اکرم‌العلماء هستیم که ممکن است حتی هویت خود را گم کرده‌ایم و در کویری دور از دیار و تبار خود مأوی گزیده باشیم. «تلفت عمری فی سکره التباعد عنک...»<sup>۴</sup>

طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق / آدم آورد در این دیر خراب آبادم<sup>۵</sup>

۱. تعبیر از استاد جعفری لنگرودی است.

۲. تعبیر عیناً از استاد جعفری لنگرودی.

۳. با الهام از سخن سعدی.

۴. از مناجات امام سجاده علیه السلام.

۵. دیوان حافظ.



پس به همان زیگورات می‌رویم تا با نجوای عاشقانه‌ای بخوانیمش که:

«رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا...»

پس به انتظار می‌نشینیم. در هوای آزادی

و به اندیشه می‌نشینیم. ما بر آزادی

و می‌نگریم که چگونه اکرم‌العلماء آزاد شد. !!

#### نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

یافته‌های این پژوهش به دو قسمت گذشته نگر و آینده نگر قابل تقسیم است.

یافته اول که گذشته نگر است آن است که ضعف تمثیل موجب ضعف استدلال و فقدان غنای متون علمی می‌باشد و نمونه‌های آن در ادبیات کهن فقهی و آثار فقه‌های معاصر فراوان یافت می‌شود و با تتبع و تحقیق نیز نمونه‌های بیشتری قابل استخراج است و از میان حقوق‌دانان مسلط به متون کهن فقهی جناب آقای استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی متفطن به این ضعف علمی شده و بارها آن را گوشزد کرده و نمونه‌هایی از آن را شناسایی کرده و تلاش کرده تا نمونه‌ها و مثال‌هایی زنده و غنی و پر کاربرد به جایگزینی آنها ارائه دهد تا وظیفه معنارسازی و غنای ادبیات علمی را محقق کند. اما یافته دوم که آینده‌نگر است می‌تواند نیازسنجی پژوهش را نشان دهد و به تمامی پژوهشگران حقوقی و فقهی گوشزد می‌نماید که اولاً؛ ضعف تمثیل را در تدوین و تحلیل‌های حقوقی مشکلی جدی بشمارند و ثانیاً؛ شناسایی مصادیقی از مثال‌های علمی و تلاش برای بهبود و رفع کهنگی آنها و ارائه مثال‌های زنده امری است که باید در پژوهش‌های آینده‌نگرانه و تدوین‌های علمی مدنظر قرار گیرد و همواره برای طراحی مثال‌های تخصصی و علمی تلاش و کوشش و پژوهش ویژه‌ای صورت گیرد تا بر غنا و استحکام و انسجام علمی تولیدات علمی افزوده شود. بعون الله تعالی

## الف - منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، فلسفه فرهنگ و هنر، تهران، گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، تهران، گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، تئوری موازنه، تهران، گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، فن استدلال در علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، الفارق، جلد دوم و سوم، تهران، گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، روش جدید در مقدمه علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، علم حقوق در گذر تاریخ، تهران، گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق مدنی، جلد یک، تهران، گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۴)، فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۶)، رنسانس فلسفه، جلد چهارم، تهران، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش.
۱۴. حزین لاهیجی، (۱۳۷۵)، دیوان، مکتوب.
۱۵. دیوان حافظ
۱۶. کتابخانه دیجیتال نور به آدرس [www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir) در اسفند ۱۳۹۷.
۱۷. گلستان سعدی
۱۸. همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ سی و یکم، هما.

## ب- منابع عربی

۱۹. قرآن کریم
۲۰. صحیفه سجادیه
۲۱. مناجات امام سجاد علیه السلام
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۱۴)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، جلد دوم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۳. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، (بی تا)، القواعد در فقه شامل عبادات و معاملات.
۲۴. ابن قدامه المقدسی، (۱۳۸۸)، المغنی، جلد پنجم، مکتبه القاهره.
۲۵. حسینی شقرائی عاملی نجفی، سید محمد جواد بن محمد، (۱۳۹۱)، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد ششم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۶. روح الله، خمینی، (۱۳۸۷)، مناهج الوصول الی علم الاصول، جلد اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. السمنانی، أبی القاسم، (۲۰۱۵)، روضه القضاء و طریق النجاه، جلد سوم، محقق صلاح الدین الناهی.
۲۸. طباطبایی، علامه محمدحسین، (۱۳۷۲)، نهاییه الحکمه، دانشگاه الزهراء(س)، معاونت پژوهشی.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، تذکره الفقها، جلد دوم، المکتبه المرتضویه.
۳۰. کاشف الغطاء، شیخ جعفر بن شیخ خضر، (۱۲۲۷ ق)، شرح قواعد الاحکام علامه حلی، شرح کتاب البیع.
۳۱. نوری، یحیی بن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المذهب، جلد دوازدهم و چهاردهم، بیروت، دارالفکر.

## Confronting with analogy weakness in books by Professor Jafari Langarudi

Mohammad Darvishzadeh<sup>۱</sup>

### Abstract

This study was conducted to describe and analyze analogy weakness and confrontation with such failure in books written by Professor Jafari Langarudi. Findings imply that analogy deficiency can be seen in academic and research works. Such failure has led to poor arguments in academic researches. According to statistical analysis of using analogy "respect for scholars", this analogy has been used more than ۷۰۰۰ times in jurisprudential and regular references. Qualitative analysis shows that tens of weak and inefficient examples do not contribute to the learning process preventing learners from thinking and subjective reasoning. Such poor analogies may disturb the meaning process of text.

The extant paper has used the stylistic device of personification for the analogy of "respect for scholars", as one of the most practical analogies in principles of jurisprudence, that inefficient use of this analogy has changed the meaning and concept of this expression. In this case, Professor Jafari Langarudi has attempted to design and create new and applicable examples to fill the academic gap in this field. He has changed learning and teaching processes by creating abundant new and efficient legal examples and analogies. Therefore, academic and scientific development of the "science generation index" requires further applicable and useful examples and procedural progress in jurisprudential, regular, and legal researches.

**Keywords:** Respect for Scholars (Akram Al-Olama), Jafari Langarudi, Analogy Weakness, Science production index

<sup>۱</sup> Former Judge of Supreme Court of Iran and Chief of Research Center for Legal Encyclopedias of Allameh